

بخش نهم کتاب زمان انتخاب

## اسلام گرایی و تروریسم

امیرفیض- حقوقدان

سوالات و پاسخهای این بخش از کتاب کمتر با عنوان بخش کتاب که باید رابطه اسلام و تروریسم را ترسیم کند میخواند بهمین اعتبار بنده اجازه میخوام، این بخش، در دو قسمت و دو موضوع، به اتفاق مورد بحث و نقد قرار گیرد:

### قسمت اول - در رابطه با سوالات

سوال اول مصاحبه کننده که هیچ ارتباطی با اسلام گرایی و تروریسم ندارد چنین است:

آیا سرنگونی صدام حسین اقدام مثبتی برای منطقه بود یا بالعکس وظیفه تغییر دموکراتیک را در ایران پیچیده تر کرد؟

چنانکه، ملاحظه میفرمایید انگیزه و هدف از طرح چنین سوالی ایجاد حقانیت برای مداخله نظامی آمریکا در امور داخلی عراق است تا از این مبررای حمله نظامی آمریکابه ایران، راهگشایی شده باشد.

متاسفانه؛ اعلیحضرت به ماهیت و انگیزه سوال التفات لازم رانشان نمیدهند و مطالبی میفرمایند که مصاحبه کننده، از طرح سوالاتش راضی میشود.

**حاشیه =** البته که سرنگونی هر حکومت مستبد متجاوز بسیار خوب و قابل تقدیر است ولی وقتی که بوسیله خود ملت، آن حکومت سرنگون گردد نه قدرت خارجی؛ اگر عمل آمریکا در سرنگونی صدام تائید شود آنهم اقدامات نظامی که برخلاف منشور سازمان ملل و شورای امنیت بوده چگونه میتوان اقدام مساوی آنرا در مورد جمهوری اسلامی محکوم کرد >مرگ خوبست فقط برای همسایه؟<

در حالیکه دنیا عمل آمریکا را در حمله نظامی به عراق محکوم کردند و حتی بوش در کتابش نوشته که > هر وقت یاد مسئله عراق میافتم حالت تهوع بمن دست میدهد< این سوال مصاحبه کننده شیطنتی است برای دستاورهای خاص، که در صدر همه آنها قرینه سازی برای حمله نظامی به ایران است (پایان)

### پاسخ اعلیحضرت

وقتی آمریکانیها در عراق مداخله نظامی کردند بسیاری از ایرانیان داخل کشور فکر میکردند که نوبت ما نیز بزودی خواهد رسید آنان میگفتند:

«ما نیز حاضر به تحمل بمباران هستیم، مشروط بر اینکه به سرنگونی رژیم بیانجامد»

تکرار میکنم که شخصا، کاملاً و بعنوان یک اصل با مداخلات نظامی مخالف فکر میکنم که ایرانیان در صورتی که پشتیبانی درستی از آنان بشود قادرند به تنهایی، آزادی خود را بدست آورند»

نقل قول اعلیحضرت از ایرانیانی که نه، میشود آنها را بنام و مشخصات معرفی کرد و نه محدود هستند و فقط علامت مشخصه آنها >بسیار< است پاسخ بجائی نبوده است و مفهوم آن این است که درست است که اعلیحضرت شخصا با مداخلات نظامی مخالفند ولی بسیاری از ایرانیان با حمله نظامی موافقت و موافقت آنها توسط رضا پهلوی در همین مصاحبه اعلام شده است. و در حالیکه اعلیحضرت خودشان رایک شهروند عادی میدانند مخالفت یک شهروند عادی در مقابل بسیاری از ملت ایران چه تاثیری دارد؟

نقل قول از کسان، در صورتی که خلاف نصّ و اصول باشد قابل اعتبار نیست در حالیکه اعلیحضرت در همین بیاناتشان مداخلات نظامی کشورها را در امور کشورها خلاف اصل دانسته اند، بنظر نمیرسد که استناد به نظریه ای خلاف اصل بجا بوده است.

اصلا چه دلیلی هست که «بسیاری» از ایرانیان چنین فضولی هارا کرده اند و مجرای اطلاع اعلیحضرت از چنین مطلبی اصالت داشته باشد، انعکاس این چنین گفته ها و شنیده هادر تاریخ، اگر قلب و بی اعتبارنگردد این است که «بسیاری از ایرانیان باحمله نظامی آمریکا مشروط بر اینکه رژیم ساقط شود موافق بودند»

**حاشیه =** هم امروز در اخبار آمده بود که سناتور گراهام آمریکائی در کنفرانسی در هالیفاکس کانادا گفته بود که «درگیری نظامی با ایران نباید محدود به فعالیت های اتمی باشد بلکه نیروی دریائی و هوائی و تمام تاسیسات نظامی و بطور کلی باید جمهوری اسلامی از قدرت ساقط شود» اظهارات این سناتور درست منطبق با پیشنهاد جنبش سبز به آمریکائی هاست و همچنین میتواند با زمینه های نقل قول اعلیحضرت مبنی بر اینکه بسیاری از ایرانیان باحمله نظامی آمریکابشرط سقوط رژیم اسلامی موافقت همخوانی داشته باشد.

**حاشیه دوم –** همانطور که در دعای بین افراد، از هرگونه دلیل و سند و قرینه و امارات و شهود برای حقانیت استفاده میشود در روابط بین المللی هم استفاده از دلیل و شاهد و غیره برای ایجاد حقانیت معمول است؛ از باب نمونه در سال ۸۵ هنگامیکه روزنامه عصر امروز در مقاله ای بقلم قاضی سعید نوشت «نود درصد ایرانیان موافق حمله آمریکابه ایران هستند و حاضرند به آنها جاو مکان بدهند» درست یک هفته از انتشار مقاله مزبور نگذشته بود که مایکل لیدین آمریکائی گفت: «اگر آمریکابه ایران حمله کند مورد استقبال ایرانیان قرار خواهد گرفت»

مقصود از این حاشیه هاین است که بیگانه همواره مترصد دخالت در امور کشورهای دیگر است باید احتیاط کرد و جاده این دخالت را هموار نکرد گواه تاریخ چنین است که بیگانگان خواستهای خودشان را قبل از طرح در دهان افراد میگذارند که طرح آنها بامستند یعنی خواست مردم کشور مورد مداخله باشد (پایان)

### کافه راشلوع نکند

عنوان «کافه راشلوع نکند» از اصطلاحات بکاررفته از سوی اعلیحضرت است و در مفهوم میتوان همان باشد که میگویند «میان دعوا نرخ نگذارید»

سابقه و اسناد موجود نشان میدهد چنین مطلبی را که اعلیحضرت به «بسیاری» از ایرانیان نسبت داده اند فقط از سوی نمایندگان جنبش سبز در خارج از کشور صورت گرفته و ارتباطی به بسیاری از ملت ایران و حتی کسانی که خودشان را جزء لاینجزای جنبش سبز میدانند، ندارد چنانکه اعلیحضرت که خودشان را سپر بلائی جنبش سبز معرفی کرده بودند باحمله نظامی آمریکابه ایران مخالفند. همانطور که در تحریرات سابق هم به اشاره رفت روزنامه لوس آنجلس تایمز گزارشی از ملاقات «جان هانا» (اواسال ۲۰۰۵ مشاور امنیت ملی و همچنین یک از اعضای ارشد مؤسسه واشنگتن در سیاست خاور نزدیک است مؤسسه ای که در زمینه طرحهای براندازی نرم فعالیت دارد) با عده ای از شخصیت های ایرانی خارج از کشور در اروپا خبر داد.

جان هانا، عناصر شرکت کننده در ملاقات را شخصیت های نزدیک به رهبری جنبش سبز معرفی کرد.

او صریحا نوشته است «من پیامی که اخیرا از گرد همائی فعالان ایرانی در اروپا که در میان آن هابعضی شخصیت های نزدیک به جنبش سبز حضور داشتند شنیدم این بود که تحریم ها باید اعمال شود... آنها گفتند برای اینکه تحریم هاموثر باشد باید بصورت شوک وارد شود که فلج کند نه بصورت واکسن».

درمورد حمله نظامی آنها پس از گفتگوهائی پیشنهاد دادند «بمباران همزمان تاسیسات اتمی و مراکز سپاه و پاسداران و بسیج هرچند مردم رانابود کند موجبات جمع کردن بساط حکومت اسلامی را بدست اپوزیسیون تسریع خواهد کرد»

بنابراین پیشنهادی که از سوی عده ای چند نفره دائر به حمله نظامی به ایران داده شده اولاً به هیچ عنوان به حساب مردم ایران آنهم «بسیاری» قابل منظور کردن نیست.

دوم اینکه هر پیشنهادی که خلاف اصول تصدیق شده فرهنگ ملتها درواحد ملتها، و در بُعد جهانی، مغایر با منشور سازمان ملل متحد باشد بی اعتبار و واهی است و استناد به آن «برفهمیم، حجت نیست»

سوم اینکه کثیری از کسانی که جنبش سبز را نمایندگی میکنند سابقه گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا را دارند که بهرحال در جریان اتهام هستند و به حکم «شهادت متهم، نافذ نیست» مصاحبه کننده نمیتواند از نظر و پیشنهاد آنها همان برداشت را کند که دیگران حاضر در آن گفتگو داشته اند.

چهارم اینکه نظریه اینکه ایجاد استعداد نظامی بوسیله اتباع کشورها علیه کشور خودی، جرم جنائی محسوب میگردد و گزارش «جان هانا» تائید کننده وقوع جرم جنائی است ایرانیا ن خارج از کشور، اگر موضع حقوقی روشن داشتند «دولت موقت» میتواند نسبت به موضوع، عکس العمل مطلوب نشان بدهند.

### آنالیز شرط در حمله نظامی به ایران

قبل از اینکه این بحث ادامه یابد این واقعیت و حقیقت بر جسته را در ذهن و باور خود حک کنیم.

«مایکل هادسون» حقوقدان بزرگ آمریکائی گفته است:

«سیاست چیزی جز جستجو برای ایجاد مشروعیت نیست»

این درس بزرگ بمامیاموزد که پرهیز از هر عملی و یا حرفی که برای جمهوری اسلامی ایجاد مشروعیت میکند و یا برای حمله بیگانه به کشور ما سایه ای از حق و مشروعیت بتصور میآورد باید سرآمد هر فعالیت سیاسی باشد این رابه اضافه اویزه یاد هابیمان کنیم حمله نظامی کشورها به کشورهای دیگر همانطور که ایجاد حقانیت و مشروعیت نمیکند دولتی را که بعد از آن حمله تشکیل میشود غیر مشروع میسازد.

بنابراین اساساً وجود شرط در حمله نظامی به ایران فاقد اعتبار حقوقی و وجدانی و خلاف اصل مورد تائید منشور سازمان ملل و اصل طبیعت بشری و از قوانین ارگانیکی است و اگر در این تحقیق به آنالیز شرط در حمله نظامی پرداخته میشود برای توجه و احتیاط بیشتر در موارد آتی است.

### شرط در حمله نظامی

ماهیت شرط «حمله نظامی به ایران به شرط سرنگونی رژیم» یک شرط باطل و مضحک و مسخره است زیرا تحقق شرط سرنگونی رژیم، وابسته به حمله نظامی شده است که بدون محدودیت زمانی و یا منطقه ای و یا نوع سلاحهای بکاررفته است و در معنی، آمریکادستش باز است که برای انجام تعهد یعنی سرنگونی رژیم بهر طریق که مایل است و میخواهد ایران را بکوبد و زیر و رو کند. حقیقتاً این شد شرط که ما آنرا اعلام کنیم و مصاحبه رامتکی به آن سازیم؟

تعهد و شرط آن است که اگر متعهد نتواند و یا نخواست به تعهد خود عمل کند متعهد له (در این جریان جنبش سبز در خارج) بتواند متعهد یعنی آمریکاراملزم به انجام تعهد نماید یعنی آنقدر جنگ را ادامه دهد تا سبزی های خارج از کشور بگویند بس است، آیا چنین عملی ممکن است؟ و اگر آمریکا استکفان کرد و همچنان رژیم اسلامی پایدار ماند از آمریکا ادعای

خسارت کند، چه کسی ممکن است به این نادانی هاعنوان شرط وتعهد بدهد وباین افکارکودکانه جواز حمله آمریکارابه ایران صادرکند.<sup>۱</sup>

آخر جنبش سبزی که متعلق به اسرائیل وآمریکا شناخته شده است چه حقی دارد که نسبت به کوچکترین مسئله مربوط به ایران اظهارنظر کند تاچه رسد به این فضولیهای بزرگ؟- مقصودم این است که چرادرمصاحبه اعلیحضرت به خواستهای بی اصل گروهی وابسته به بیگانان بنام جنبش سبز چنان اعتباری داده شده که درجایگاه اعلام قرارگیرد؟

## ما نیز حاضریم .....

جمله «مانیز حاضر به تحمل بمباران هستیم» عطف میشود به سابقه بمباران عراق وبراندازی صدام حسین زیرا نیز، ترسیم وتقلید وتجدید گذشته است.

درتطبیق مورد آنچه برسرعراق آمد که تازه ترین خبرها حکایت ازآن دارد که ملیونها نوزاد عراقی ناقص بدنیاآمده اند وعلت آنها استفاده ازسلاحهای اتمی کم بار، توسط آمریکائی هاست، برسرملت ایران بیاید تااین جنبش سبزیها به حکومت ایران برسند؛ آیاعراقیها حاضربودند باین تلفات وخرابیها صدام راساقط کنند، گمان نمیکنم، ولی می بینیم که امروز این سبزی های کثیف ونوکریبیگانه که ناظر جریانات عراق هستند معهدا حاضرند که همان جریانات برعراق رفته، برایران هم برود. واقعا به این تعهد وشرط وحضوررضایت چه نام میدهید؟

## پشتیبانی درست

درپاسخ اعلیحضرت دیدیم که ایشان به مسئله پشتیبانی درست اشاره فرموده اند عین عبارت ایشان چنین است « فکر میکنم که ایرانیان درصورتی که پشتیبانی درستی ازآنها بشود قادرند به تنهایی آزادی خودرابدست بیاورند»

اعلیحضرت درهمین کتاب،علاقه خود شان رابه بیان ساده وروشن مطالب وموضوعات عنوان فرموده اند:

مکن دراین چمنم سرزنش به خود رونی چنانکه پرورشم داده اید میرویم

بیانات اعلیحضرت درباره پشتیبانی، روشن نیست واهمیت موضوع اجازه نمیدهد که درتاریکی، باین سخن وفکر حرکت کرد فکر، فعالیت نامحدود ذهن آدمی است برای نزدیک کردن معلومات به مجهولات.

درفکروبیان اعلیحضرت معلومات که همان پشتیبانی درست است معلوم نیست که چیست وچگونه است وحدهش کجاست وپشتیبانی کننده وپشتیبانی شونده کیست وشرط وشروطش کدام است، مادی است یامعنوی، ونیز پشتیبانی درچه ابعاد ومفاهیمی بنظر وفکراعلیحضرت درست ویانادرست میاید، اهمیت رفع این ابهامات صرفنظر ازاینکه مورد علاقه اعلیحضرت است مبنائی برای دعوت خارجی به مشارکت بیشتر درمبارزه است وباید موضوع کاملا روشن باشد که باچه شرط وشروطی ماحاضرشده ایم مبارزات سی ساله خودمان رابه ننگ وشرم آلوده سازیم؟ وبجای بکاربستن نسخه تاریخی پشتیبانی ملت به نسخه های فکری وخودباوری چسبیده ایم.

این سخن ازاعلیحضرت است که درگذشته فرموده اند:

«ماقوای خودرابرروی این اصل متمرکز ساخته ایم تا به جهانیان تفهیم کنیم که توانائی آنرا داریم که اوضاع رادرایران عوض کنیم ومیخواهیم که هموطنانم بدانند که ماموفق خواهیم شد وهم به توفیق خودمان اطمینان داریم (بی-بی-سی)

<sup>۱</sup> -توجه خوانندگان را به نامه «ستایش و سپاس» آقای علی میرفطروس از پیشنهاد حمله سناتور لیندسی گراهام وپشتیبانی کسانی مثل آقای علیرضا میبیدی و دیگران در خط فکریشان جلب می کنم. ح-ک

این اطمینان دادن به جهانیان، اطمینان دادن به هموطنان و اطمینان به توفیق خودمان با این التماس های کمک و پشتیبانی و اعلام اینکه حتی استراتژی نافرمانی مدنی بدون حمایت خارجیان ناموفق است جورنمیاید و مردم رابه گنجی غیرقابل درمان گرفتارمیسازد که ساخته است.

درفرنگ ما و باورمردم ما و درتاریخ کشورما، شاه پشتیبان ملت شناخته شده نه بیگانه، ایرانیان پشتیبانی بیگانگان را برنمی تابند و آنرا خیانت بوطن میدانند اعلیحضرت که سرمایه حقیقی پشتیبانی ملت را رها میفرماید و علیرغم انتظار و عادت ایرانیان سی سال استفاده از آنرا حرام میبندارند و ترک آنرا اولی برضبط آن اعلام میفرمایند، چگونه فکر میکنند که کمک درست بیگانگان میتواند این خلاء هویتی را پرکند؟ آرشیو مبارزه نشان میدهد که از زمان ریاست جمهوری ریگان کمک به ایرانیان مدعی مبارزه با جمهوری اسلامی چه آشکارا یعنی باتصویب کنکره و یابوسیله سیا که بعدا فاش شد شروع گردید و تاکنون همچنان ادامه داشته است و تمام این کمک هاهم تبدیل به مُلک و سهام شده و یاحیف و میل شده است.

این دلیل است که ذات مبارزه ایرانیان علیه رژیم غاصب، کمک بیگانه رانه هضم میکند و نه به آن چشم دارد.

امارهای منتشره و نظرات درست اعلیحضرت صادق است که ۹۵ درصد مردم ایران از حکومت ملاها ناراضی هستند بنابراین چه نیازی به پشتیبانی خارجی است و چرا با این تعداد مخالف بازهم آنها ایستاده اند و ما افتاده ایم بقول اعلیحضرت باید جای کار لنگ باشد- آری درست میفرمایند؛ لنگی مبارزه از خود اعلحضرت است که نه خودشان رامیشناسند که کجاستند و نه به اقتدار و قدرت معنوی که دارند ارج میدهند سرمایه اصلی و مشروع و آشنای مردم راراهامیسازند و بعد به پشتیبانی درست خارجی متوسل میگردند که در باور مردم «بادِ مَشْمُشَه است».

نمیدانم این بیت از کیست که گفته است:

هر کسی در جای خود آید بکار      گرز دست پهلوان آرد دمار

اجازه فرمائید قسمت اول این بخش کتاب در همین جا پایان یابد و قسمت دوم که اسلام و تروریسم است به فرصت بعد موکول گردد